



« تبیین جایگاه منجی در مسیحیت »

نام پژوهشگر :

محمد مهدی مفتاح

نام استاد راهنما :

حجت الاسلام نجفی

شماره پرونده :

96603

مقطع تحصیلی :

پایه اول

سال تحصیلی 95 – 96

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

ظهور مسیحا در یهود سبب شد که دینی برخاسته از یهود بر پایه موعود تشکیل شود و در میان تمامی مدعیان روستایی زاده ای به نام عیسی توانست با انجام معجزاتی خاص و برخوردار بودن از اخلاقی الهی ، خود را به عنوان مسیحا به مردم بشناساند و در میان مدعیان دروغین او بود که به صورتی نمایان تر از بقیه ظاهر گشت اما انتظارات مسیحایی یهود از وی برآورده نشد و تحقق نیافت و همین گونه بود که پس از رستاخیز او باور به بازگشت عیسی در میان مسیحیان شکل گرفت و سبب شور و نشاطی در زندگی ایمانی افراد گشت و همچنان مسیحیان به انتظار تحقق علائم ظهور اومی باشند و به انتظار تحقق وعده های او پس از رجعت نشسته اند.

کلید واژه ها :

مسیحا ، ماشیح ، عیسی ، منجی ، رستاخیز ، رسالت ، معجزات ، ویژگی ها ، فرجام ، آخر الزمان ، دجال ، فرزند هلاکت ، ارتداد بزرگ ، رجعت ، داوری نهایی و اجتماع مومنان

مقدمه

در طول تاریخ بسیار فرقه‌هایی بودند که بر مبنای بنیاد دینی افراد تشکیل شده‌اند. اما در میان این فرقه‌ها تنها فرقه‌هایی پایدار و ابدی هستند که دارای آموزه‌هایی معین و مشخص باشند و این آموزه‌ها یکی دین است که سبب ابقای بنیاد دینی افراد آن می‌شود، در برخی از ادیان‌ها آموزه‌های مشترکی وجود دارد که سبب شده است که این ادیان با یکدیگر تعاملات نزدیک داشته باشند. یکی از این آموزه‌های مشترک که بسیار در ادیان ابراهیمی یا غیر ابراهیمی مورد تاکید و حائز اهمیت است، آموزه منجی باوری است چرا که در تمامی ادیان این باور وجود دارد که شخصی خواهد آمد و آنها را از تاریکی و ستم‌رهایی می‌بخشد و به آن‌ها عزتی پایدار عطا خواهد کرد. مسیحیت یکی از ادیانی است که خود نشأت گرفته از باور منجی باوری یهود بوجود آمده است و دینی کاملاً برخاسته از آموزه موعود باوری می‌باشد در این پژوهش سعی شده است که با بیان تاریخچه مسیحا باوری نقش آن را در تشکیل دین مسیحیت بیان کند و همچنین بتوانیم با بیان گوشه‌ای از ویژگی‌ها، خصوصیات، معجزات و با تبیین رسالت حقیقی عیسی مسیح، نقش وی را به عنوان موعود کنونی این دین بیان کنیم و با گذری کوتاه بر شناخت فرجام این موعود باوری، بتوانیم گوشه‌ای از جایگاه این آموزه عظیم را در این دین وسیع تبیین کنیم چراکه چنین آموزه‌های مشترکی هستند که سبب پایداری میان ادیان هستند و بعضاً وجود دارد که از همین آموزه‌ها برخی برای تقابل استفاده می‌کنند نه تعامل و به همین خاطر است که تقویت آنان بسیار اهمیت دارد و برای تداوم ارتباطات میان ادیانی لازم و ضروری است.

فصل اول : مسیحا شناسی

گفتار اول : تاریخچه مسیحا باوری

«در یهودیت متاخر و تا به امروز ، مسیحا عنوانی است برای یک منجی فرجام شناختی موعود یا مورد انتظار . این لفظ به عبری «ماشیح» به آرامی «مشیحا» ، به معنای «تدهین شده» است که معادل یونانی آن «کریست» می شود .

اما این واقعیتی است که در عهد عتیق عنوان «تدهین شده» یا مسیحا به معنای اصطلاحی متاخر یعنی منجی فرجام شناختی نیامده است . مسیحا در اصل مفهومی سیاسی بود ، و به عبارت دقیق تر عنوان «مسیحا» بیش و پیش از همه بر پادشاه اطلاق می گذشت . علت نامگذاری آن بود که پادشاه در سنت اسرائیل ، همچون سایر فرهنگ های خاورمیانه باستان ، با روغن تدهین می شد.^۱

و بدین خاطر بود که در سنت اسرائیل برای پادشاه قداست و ارزش خاصی رقم می خورد و « از میان تمام تدهین شوندگان ، فقط پادشاه عنوان «تدهین یافته یهوه» را دارا بود.^۲

در طول تاریخ یهود « گفته می شود که بنی اسرائیل در زمان تنگی به درگاه خداوند نیایش می کردند و او یک «داور» یا منجی را می فرستاد که تا چندی دشمن را پس می راند و بساط آرامش را برزمین می گسترد . زمانی گذشت و یورش های اقوام بیگانه چنان پیوسته و پیاپی شد که «داوران» یا سرداران موقت از پس آن بر نمی آمدند و این امید در دل قوم قوت گرفت که آنان تنها با تشکیل یک ملت متحد تحت رهبری یک فرمانروا خواهند توانست در برابر دشمنانی که آنان را همچون نگین در میان گرفته اند ، ایستادگی کنند .^۳ و براین صدد بر آمدند که برای خود پادشاهی برگزینند که « تنها با انتخاب داوود به پادشاهی بود که آرزوی قوم برای قیام یک منجی کاملا بر آورده شد . داوود نمونه یک پادشاه یهودی و الگوی جاودانی شخص مسیحا گردید و در واقع ، برخی از انبیا و حکیمان همو را مسیحا می دانستند . وی نه تنها قهرمان نمونه بود که

1

2

3

باشجاعت و بی باکی به جنگ دشمن می رفت ، امتها را مقهور می کرد و بنی اسرائیل را گسترش می داد.»^۴

«عصر داوود و سلیمان را میتوان دوران شکوفا شدن آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست.»^۵ و در این میان باور همگانی بر جاودانگی و پایداری ابدی دوران طلایی داوود و سلیمان بود اما دیری نپایید که این حکومت ها به پایان رسیدند و اینچنین بود که یهودیان پس از این دوران دچار گرفتاری ها و مشکلات بسیاری شدند که زندگی آنها را تحت الشعاع قرار می داد و یکی از عوامل اصلی این مشکلات باور دینی آنها یعنی یهودی بودنشان بود که به همین سبب مورد آزار اقوام گوناگون قرار می گرفتند و به همین خاطر بود که بنیاد ایمانی آنها به تزلزل کشانده می شد و به همین خاطر پیامبران قوم چون اشعیا و ارمیا بر صدد برآمدند که مژده آمدن مسیحایی را دهند که یهودیان را ظلم نجات داده و به عزت گذشته خود بازگرداند که مهم ترین این بشارات در کتاب اشعیای نبی اینگونه آمده است :

«نهالی از تنه یسی [پدر داوود] بیرون آمده ، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت ، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند . خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رویت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش های خویش تنبیه نخواهد نمود ، بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود . جهان را به عصای دهان خویش زده ، شیران را به نفخه لب های خود خواهد کشت . کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت . گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری باهم و طفل کوچک آنها را خواهد راند . گاو با خرس خواهد چرید بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد

گذاشت . و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادى نخواهند کرد ؛ زیرا جهان از معرفت خداوند
پر خواهد بود ، مثل آب هاىی که دریا را مى پوشاند. ^۶»

به سبب همین پیشگویی ها بود که « دل های بنی اسرائیل از عشق به مسیحای موعود لبریز بود
و در مقابل ، حاکمان ستمگر همواره در کمین چنین رهبر رهاىی بخشى بودند ^۷» و همینگونه بوده
است که « یهودیان پس از نخستین ویرانى شهر قدس ، همواره در انتظار یک رهبر الهى فاتح بوده
اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر دخشان داوود و سلیمان برگرداند. ^۸»

گفتار دوم : مصداق شناسی مسیحا

همانطور که در گفتار پیشین بیان شد «شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز
یهودیت و مسیحیت موج می زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هرگونه خواری و
شکنجه را به این امید بر خود هموار کردند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد
رنج رها کند و فرمانروای جهان گرداند. ^۹»

و به همین خاطر بود که «پیشگوییها ، محاسبات و تخمین های مربوط به تاریخ ظهور مسیحا زمینه
ای بود که برخی خود را مسیحا یا چهره ای مرتبط با مسیحا بپندارند و یا به دیگران چنین القا
بکنند. بسیاری از این چهره ها قصد فریب دادن مردم را نداشتند بلکه از سر زود باوری و بواسطه
نوعی ایمان احساسی، به باور خودشان هم می آمد که واقعا رسالتی الهی برای نجات همکیشان و
خود بر عهده دارند و به همین خاطر بود که رنج و خطر را بر خود هموار میساختند و معمولا تا
مرحله مرگ پیش می رفتند. ^{۱۰}» اما همیشه اینگونه نبوده است که تنها از سر وظیفه دینی دست به
چنین کاری زده باشند چرا که « از روزگار باستان تا عصر حاضر صدها تن برخواستند و نغمه
مسیحایی ساز کرده چند صباحی ساده دلان بنی اسرائیل را مجذوب خود ساخته و بلاهای

اشعیا 11 : 1 - 9 ^۶

7

8

9

10

جانکاهی بر بلا پای آن قوم افزودند.^{۱۱} « مدعیان مسیحایی در قرن های متوالی مشکلات بزرگی برای یهودیان ایجاد کردند و گاهی فرقه هایی را بوجود آوردند که تا زمان ما باقیست مانند فرقه دومنه در ترکیه که از شبتای صبی نامدار ترین مسیحای دروغین به یادگار مانده است.^{۱۲} اما در همین دورانی که « شکوه سلطنت داوود در سلطه ی رومیان بر بنی اسرائیل از دست رفته بود و آنان بی تاب تر از همیشه در انتظار رهایی بخش موعود خود بودند عیسی باوجود آنکه از خانواده ای فقیر و کاملاً معمولی به پا خواست و فاقد شرط شهریاری برای مسیحا شدن بود اما بدلیل برخورداری از کمالات نفسانی و تعالی روح و نیز جاذبه های کلامی در باور جماعتی از یهودیان که از دست به دست شدن قدرت و از سلطه رومیان به جان آمده بودند ، به مثابه ماشیح (مسیحای موعود شناخته شد و این جماعت ریشه دار شد که مریدان کم شمارش پس از تحمل سختی های فراوان از پیکره ی یهودیت بریدند و ببه این ترتیب بر تنه باوری کهن جوانه های دینی تازه روید و از دل تاریخی یهود ایمانی جدید شکل گرفت»^{۱۳} و اینگونه بود که «در میان تمامی مدعیان مسیحایی هیچ کدام به اندازه روستایی زاده به نام عیسی - اهل ناصره- در تاریخ این اندیشه طنین انداز نشد چنین بود که ایشان با داشتن شخصیتی بس و والا و روحی الهی دین بزرگی را بنیان نهاد و گروه بیشمار ی را به ملکوت آسمان رهنمون شد ولی بیشتر یهودیان او را رد کردند.» اما عده ای که عیسی را به عنوان مسیحای موعود یهود پذیرفتند و این در حالی بود که «در عهد جدید هیچ شاهی بر اینکه عیسی یا شاگردانش مسیحا بودن او را رد یا حتی مورد تردید قرار داده باشند وجود ندارد برعکس شواهد به گونه ای است که میتوان یقین حاصل کرد که او خود و به تبع او شاگردانش وی را مسیحای قوم اسرائیل می پنداشتند.»^{۱۴} «اگر عهد جدید و به خصوص اناجیل را مبنای فهممان از این مسئله قرار دهیم میتوان اثبات کرد که سخنان و رفتار عیسی و نیز سخنان و رفتار معاصرانش تماماً به مسیحا بودن او اشاره دارد البته انکار نمیتوان کرد که معاصران عیسی کم

11

12

13

14

یا بیش تصاویر مختلفی از او در ذهن خود داشتند.»^{۱۵} به طور مثال زمانیکه در انجیل متی می خوانیم که :

«وقتی عیسی به قیصریه فیلیپ رسید از شاگردانش پرسید مردم مرا که می دانند؟ جواب دادند: بعضی ها میگویند که شما یحیای پیغمبر هستید ، عده ای نیز میگویند الیاس یا ارمیا و یا یکی از پیغمبران دیگر می باشید . سپس پرسید شما مرا که میدانید؟ شمعون پطرس جواب داد: مسیح ، فرزند خدای زنده! عیسی فرمود : ای شمعون ، پسر یونا خوشبحال تو ، زیرا تو این حقیقت را از انسان نیاموختی ، بلکه پدر آسمانی من این را بر تو آشکار ساخته است. آنگاه به شاگردانش دستور داد به کسی نگویند که او مسیح است.»^{۱۶}

واین در حالیست که عیسی این گفتار را در جمع خصوصی یارانش بیان کرده است و هیچ گاه در میان اجتماع مردم خود اعتراف به مسیحا بودن خود نمی کرد. چراکه آنچه که یهودیان از مسیحا در ذهن داشتند مسیحایی زمینی و به عنوان پادشاهی برای یهود بود و به همین خاطر بود که « از مسیحا شناخته شدن خود توسط عامه مردم پرهیز می کرد و او حتی به ارواح پلید دستور می داد که در اینباره ساکت بماند به شاهدان معجزاتش می گفت که آنها را افشا ن سازند تلاش می نمود تا محل اقامت خود را مخفی نگاه دارد و به شاگردانش نیز دستور می داد که هویت مسیحایی او را آشکار ن سازند.»^{۱۷}

« تا پیش از آنکه عیسی (بنا بر سنت مسیحی) در باغ جسیمانی دستگیر و صلیب شود ، آرمان مسیحایی در میان پیروانش با همان معنا و مفهوم سنت یهودی فهمیده می شد ؛ یعنی آمدن شخصی از نسل داوود برای برقراری ملکوت خدا . اما ، پیروان عیسی وقتی موعود خود را بی آنکه وعده ای از وعده های اشعیا ، دانیال و دیگر پیامبران دیگر بنی اسرائیل را عملی کند ، بر صلیب دیدند ، سر در گریبان تا به آن حال در آمدند که او را انکار کرده و در خانه های خود نهان

15

16

17

شدند . در همین هنگام در مکاشفه ای تاریخ ساز و یک تجربه دینی تازه ، رستاخیز عیسی به جامعه جوان مسیحی بشارت داده شد و امیدواری و نشاط در جامعه مسیحی جاری گشت.^{۱۸}

تا اینکه « رستاخیز عیسی در روز سوم سبب شد این جماعت از نهان خانه ها بیرون آمده و رساتر از پیش عیسی و آموزه هایش را تبلیغ کنند این تجربه دینی ، مشاهده روحانی برای پطرس و شماری از حواریون نیز تکرار شد.»^{۱۹} « در این هنگام یاس و نومیدی کاملاً از بین رفت و ایمان و امید جایگزین آن گشت .»^{۲۰} و «از این تاریخ بود که آرمان مسیحا با تفسیری تازه در میان مسیحیان ادامه یافت و این تفسیری است که یهودی نبود »^{۲۱} و اینگونه است که « این ماجرا به این جا خاتمه نیافت و مسیحا باوری مسیحی - یهودی در سیر تاریخی خود منشا پیدایش موعودباوری تازه گشت .»^{۲۲}

فصل دوم : مسیح شناسی

ولادت عیسی

« بنیانگذار مسیحیت به نقل متی و لوقا ، در بیت لحم زاده شد. این شهر در نزدیکی اورشلیم واقع شده است و حدود هزار سال قبل از میلاد ، داوود پادشاه در آن به دنیا آمده و بزرگ شده بود. از آنجا که موعود یهودیت بنا بود که در بیت لحم زاده شود تا به داوود شباهت داشته باشد ، آن دو انجیل نویس تولد عیسای ناصری را به شهر مذکور کشاندند.»^{۲۳}

«به گفته اناجیل ، مادرش مریم نامزد نجاری از شهر ناصره به نام یوسف بود . داستان تولد عیسی در آغاز هر یک از انجیل های متی و لوقا آمده است .مرقس و یوحنا که داستان تولد را نیاورده اند

18

19

20

21

22

23

از بیت لحم حرفی نمی زنند و فقط به ناصره اشاره می کنند. (مرقس 1: 9 و یوحنا 1: 45 - 46 و یوحنا 7: 41 - 42) «^{۲۴}

به طور مثال در ابتدای عهد جدید ، متی در انجیل خود ، ولادت عیسی را اینگونه بیان می کند :
« اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود ، قبل از آنکه با هم آیند ، او را از روح القدس حامله یافتند . »^{۲۵}

و در ادامه اینگونه نقل می کند که یوسف که مردی صالح بود از ترس حفظ آبروی خود تصمیم به رها کردن پنهانی او می گیرد که « ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده ، گفت : ای یوسف پسر داوود از گرفتن زن خویش مریم مترس ؛ زیرا آنچه در وی قرار گرفته است ، از روح القدس است . و او پسری خواهد زایید و تو نام او را «عیسی» خواهی نهاد ؛ زیرا او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید . »^{۲۶}

عیسای نجات دهنده

در اناجیل لفظ «عیسی» را به عنوان نجات دهنده تعبیر می کنند که حتی در جایی از عهد عتیق از کلام عیسی اینگونه نقل می کند :

« چون که مسیح ، نیامدم تا به من خدمت کنند ؛ من آمده ام تا به مردم خدمت کنم و جانم را در راه نجات بسیاری فدا سازم . »^{۲۷}

این گفتار در باور مسیحیان اینگونه بیان می شود که به نقل مسیحیان پس از مصلوب شدن عیسی انسان ها که به خاطر گناه آدم مورد غضب خدا بودند پاک شدند و نجات یافتند و حتی در کتب عیسی را به « بنده بلاکش خدا » نیز تعبیر می کنند که از همین موضوع نشئت گرفته است. همچنین در میان رسالات پولس به کلیساها داریم که اینگونه از این موضوع یاد می کند :

24

25

26

27

« حال ای برادران ! من مهم ترین حقایق انجیل را همانطور که دیگران به من رساندند ، به شما اعلام کردم ، یعنی این حقایق را که مسیح طبق نوشته های کتاب آسمانی ، جان خود را در راه آمرزش گناهان ما فدا کرد و مرد ؛ در قبر گذاشته شد و روز سوم زنده گردید و از قبر بیرون آمد ، همانطور که انبیا پیشگویی کرده بودند.»^{۲۸}

هیئت مسیح

«در انجیل مطلبی که دلالت بر توصیف هیئت مسیح بنماید ، یافت نمی شود لکن تقلیدی که آن را به پوبلیوس لتتوس نسبت می دهند ، میگویند که مسیح معاصر پیلاتس بود وی به سناتس رومانی بدین طور نگاشت که در این روزها مردی که الی الان موجود است ظاهر شده است . مردی صاحب قوات و اقتدارات عظیمه می باشد مردم وی را پیغمبر عظیم دانند و شاگردانش وی را با نام الله خوانند و اسمش عیسی مسیح است ، مردگان را زنده می کند و مریضان را از هر نوع مرضی شفا می بخشد و خود شخصی معتدل القامه است ، علامات دلسوزی و شدت عزم از سر و رویش باهر ، بطوریکه هر کس او را ببیند او را دوست دارد و از وی بترسد ، موهایش میگون و اصلا طلائی رنگ و مستقیم می باشد و از مقابل گوش ها مجعد و درخشان و مثل عادت نصاری موهایش به دو نیمه منقسم است . پیشانی اش مستوی و نرم رویش را عیبی متصور نیست و مایل به قرمزی می باشد . بینی و دهان وی را عیبی نیست . ریش کامل و تمامی دارد که رنگش همچون رنگ مویش می باشد و آن نیز به دو قسمت شده است . چشمهایش کبود رنگ و درخشنده است و چون کسی را سرزنش و توبیخ نماید خیلی ترسناک و با هیبت است و در ارشاد و پند و موعظت و تعلیم ، خیلی نرم و شیرین زبان می باشد . کسی خنده وی را ندیده است ولکن بسیاران گریه وی را دیده اند . دست هایش خیلی خوش ترکیب و خوش نما و راست است . شخصی است دیرگو و کم سخن و از تمام بنی نوع خود خوشرو تر و خوشگل تر است.»^{۲۹}

²⁸ اول قرن تیان 15 : 3-4

معجزات عیسی

یکی از مسائل و عواملی که سبب شد عیسی به عنوان مسیحا و یا به عنوان منجی موعود در دنیا مطرح شود، معجزات یا کارهای خارق العاده وی بود که همگان را متوجه او می ساخت، چراکه مردم متوجه این مسئله بودند که یک روستایی زاده ساده، امکان برخورداری از چنین قدرتی را در حالت عادی ندارد و اینگونه بود که عیسی برای آنان شخصی متفاوت با قابلیت های متفاوت بود.

«معجزات کارهایی خارج از توان مردم است که پیامبران به اذن خداوند برای اثبات حقانیت خود انجام داده اند گاه بر این غرض اصلی که تقویت باورهای عمومی و توجه دادن مردم به قدرت خداوند است فواید دیگری از جمله شفای بیماران و برطرف شدن مشکلات مردم نیز مترتب می شود در میان معجزاتی عیسوی شفای بیماران به مراتب بیش از دیگر موارد رخ داده است این معجزه گاه در قالب شفای دیوانگان، گاه به صورت مبتلایان به برص، شفای بیمار زمین گیر، مفلوج، کور، کر و لال ظاهر شده است.

زنده کردن مردگان از معجزات دیگر عیسی است این معجزه دست کم در سه مورد انجام شده است: در یک جا دختری که از دنیا رفته است مورد لطف وی قرار می گیرد، در مورد دوم پسر بیوه زنی به دنیا بر می گردد و در مورد سوم برادر مریم و مرتا به عنایت مسیح از مرگ بر می خیزد. این معجزات را منابع اسلامی هم از عیسی گزارش کردند اما معجزاتی مثل خشکاندن درخت انجیر پرداختن پول جزیه به باجگیران صید مقدار زیادی ماهی و آرام کردن طوفان را تنها در کتاب مقدس می توان دید به علاوه انجیل تبدیل آب به شراب را هم از معجزات مسیح می دانند آموزه های دینی ما پیامبران خدا را از انجام دادن چنین اقدامی بری می شمارد شراب راس گناهان است و تمام پیامبران خدا شراب را تحریم کرده بودند.»^{۳۰}

رسالت عیسی

اما نکته دیگر که حائز اهمیت است مسئله رسالت عیسی است که در طول تاریخ توسط برخی دستخوش تغییراتی بسیاری شد. رسالتی که خود عیسی از آن اینگونه یاد می کند :

« گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی و نوشته های سایر انبیا را منسوخ کنم . من آمدن تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام برسانم . به راستی به شما میگویم که از میان احکام تورات ، هر آنچه که باید عملی شود ، یقیناً همه یک به یک عملی خواهد شد . »^{۳۱}

همچنین در قرآن کریم نیز بدین مسئله اشاره شده است :

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ»^{۳۲}

لفظ " مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ " در سوره آل عمران در آیه 50 نیز آورده شده است . بنابراین اینگونه میتوان فهمید که احکام عیسی همان احکام موسی است که برای بنی اسرائیل آورد که با مقایسه ای کوتاه در میان این احکام در می یابیم که شامل احکامی دشوار و اصولی طاقت فرسا است که اکنون هم با وجود تغییرات بسیار ، هنوز هم بویی از آن احکام به مشام می رسد و این درحالیست که در میان مسیحیان این احکام تقریباً به فراموشی رفته است ، اما در این میان هم داریم مسیحیان صهیونیستی ای که بسیار تندرو تر و سخت گیر تر نسبت به یهودیان هستند.

و خلاصه اینکه « در هر یک از چهار انجیل زندگینامه و مقداری از سخنان حضرت عیسی را می آورد ولی عمده اهتمام آنها به رسالت آن حضرت مربوط میشود همچنین داستان مصلوب شدن ایشان در پایان هر چهار انجیل آورده شده است . به طوریکه از اناجیل به دست می آید آن حضرت زاهدی پرشور بود که برای اصلاح جامعه پوسیده و فرسوده فلسطین در عصر خود برنامه

31

قرآن کریم ، صف ، آیه 6³²

ای گسترده داشت و برای انجام آن نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد و باگذشت سالیان دراز، اندک اندک، دینی که به وی منسوب شده بود پاگرفت.^{۳۳}»

رستاخیز عیسی

« هنگامیکه بزرگان یهود دیدند که تعالیم حضرت عیسی منافع آنان را تهدید می کند برای کشتن او توطئه کردند. وی در آخرین شب زندگی عشای ربانی را با شاگردان خود صرف کرد سپس یکی از دوازده شاگرد برگزیده وی به نام یهودای اسخریوطی درمقابل پولی که از روسای کاهنان یهود گرفته بود به وی خیانت کرد^{۳۴} و او را به مامورانی که کاهنان معبد فرستاده بودند تسلیم کرد. از آنجاییکه خود یهودیان حق نداشتند کسی را اعدام کنند وی را به مقامات رومی اورشلیم سپرده شد. به نوشته اناجیل پلاطس فرمانروای رومی حاضر نبود او را مجازات کند و می گفت جرمی در وی سراغ ندارد ولی یهودیان بر اعدام او بسیار پافشاری کردند و می گفتند اگر اعدام نشود شورش خواهند کرد.»^{۳۵}

« طبق تعالیم اناجیل حضرت عیسی مصلوب شد، روی صلیب مرد و او را دفن کردند و پس از سه روز^{۳۶} (به گفته اناجیل) از مردگان برخواست. وی مدت چهل روز گاه و بیگاه برای شاگردان خود ظاهر شد سپس به آسمان رفت.»^{۳۷}

«رستاخیز عیسی برای دیانت تازه دو نتیجه به همراه داشت: اول اینکه دلیلی بود بر حقانیت عیسی و اینکه او به واقع همان مسیحای یهودیان بوده است. دیگر آنکه سبب شد جامعه پیروان او برای همیشه در انتظار بازگشت او باشند. پس از این بود که موعود باوری در مسیحیت در یک درک تازه و متمایز از سنت یهودی امتداد یافت.»^{۳۸}

33

34 وی برای نشان دادن حضرت عیسی او را بوسید و تعبیر بوسه یهودا در عرف مسیحیان معنای خیانتی از این قبیل است.

35

36 او پیشگویی کرده بود که سه روز و سه شب در شکم زمین خواهد ماند (متی 12 : 40) ولی باز هم به گفته اناجیل وی پیش از غروب روز جمعه به خاک سپرده شد و در سپیده دم روز یکشنبه دیدند که در قبرش نیست.

37

38

این اندیشه بازگشت عیسی به حدی زندگی مسیحیان را تحت الشعاع خود قرار داد که « در جای جای زندگی مسیحیان و رفتار دینی و حتی فرهنگ اجتماعی شان رگه هایی از اعتقاد به بازگشت عیسی به چشم می آید. »^{۳۹} و این درحالیست که جوامع مسیحی در سایه همین انتظار فرهنگ ویژه ای برای خود پدید آوردند که شامل: هنر، موسیقی، صنایع دستی و ... می شد که در مراسمات و آیین های خاص به خودشان بعضاً از آنها استفاده می شود.

گفتار سوم: فرجام شناسی عیسی

با وجود آنکه نظام فرجام شناسانه پولس ثابت و مشخص نیست و درمجموع در چهار مرحله تقسیم شده است، اما دربردارنده مفاهیم راستینی است و اشتراکات فراوانی در این میان وجود دارد.

« دو رساله پولس به تسالونیکیان دربردارنده شکل ابتدایی آموزه های فرجام شناسانه اوست عناصر فرجام شناسانه این رساله ها عبارتند از: ارتداد بزرگ و دجال، پارتوسیا و داوری نهایی و رستاخیز و اجتماع مقدس مومنان در اینجا به طور خلاصه به این مفاهیم می پردازیم:

الف) ظهور دجال

پولس فرجام شناسی خود را با الهام از این باور یهودی آغاز می کند، دوران آخرالزمان با مداخله مستقیم خداوند زمانی که شیطان به اوج قدرت خود رسیده است آغاز می شود.

زنده کسی به هیچ وجه شما را نفریبید زیرا که تا آن ارتداد اول واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد آن روز نخواهد آمد که او بر همه آنچه به خدا یا معبود مسمّا است مخالفت می نماید و تفوق می جوید. به نوعی که در هیکل خدا چون خدا می نشیند و خود را چنین می نماید که اوست خدا. که ظهور او به فعل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ و به هر قسم فریب ناراستی برای هالکان از آنجا که محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند.

در حالیکه ظهور مسیح به فعل خداوند است. ظهور دجال به فعل شیطان است اما کار دجال به دست مسیح پایان یابد و مسیح «او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد» (دوم تسالونیکیان 2 : 8) باری پلوس در رسالات بعدی خود سخن صریحی درباره در مورد دجال نمی گوید.^{۴۰}

ب) پاروسیا

پولس در این رساله (اول قرنتیان) پاروسیا را اینگونه توصیف می کند در پاروسیا مسیح جلال خویش را آشکار می سازد و با رجعت خویش کار عالم را به پایان می‌رساند پس از پاروسیا نیز بلافاصله داوری نهایی صورت می پذیرد که روز داوری نیز با عبارت هایی از قبیل روز روز مسیح توصیف می شود بنابر این پاروسیا با داوری و رستاخیز ادامه می یابد که به واسطه آن این عصر به پایان میرسد و عصری جدید آغاز می شود.^{۴۱}